

سیاہ ، سفید ، خاکستری

روز سیاه

به اصطلاح بزرگ ترها هنوز دست چپ و راستم را از هم تشخیص نمی دادم که پا در راهی گذاشتم که سرنوشتم را به سیاهی کشاند، همه چیز از روزی شروع شد که در راه مدرسه نگاهم به نگاهش گره خورد و ... دختر جوان در مرکز مشاوره پلیس داستان زندگی اش را تعریف کرد تا راهی پیش پایش گذاشته شود.

فرزانه با نگاهی معصومانه گفت: تمام دنیا و آرزوهایم در او خلاصه می شد و از صمیم قلب دوستش داشتم. آشنایی من و سعید چند سال قبل در خیابان آغاز شد و تعریف و تمجیدهای همکلاسی ام از تیپ و قیافه او، مرا بیشتر شیفته و دلباخته اش کرد.

فقط ۱۶ سال داشتم و تنها انگیزه حیات و عشق به زندگی ام در سعید خلاصه شده بود. در مدت کوتاهی به او وابسته شدم و تا به خود آمدم، دیدم دیگر نمی توانم از او دل بکنم.

والدینم همواره بسیار من و پر ابر در اکثر اشی می کردند به تربیت ما می خاستند. حساس بودن، مدد و سر و خور و خوندن و دست داشتن نه بهانه من برای بیرون رفتن از منزل و گذران وقت با ساعد بود اما پس از آن تنها اصرار من به مشکوک شدن و اجازت رفتن به خانه دوستم و امر دادلی اعتراض ابرم بهای در پی من باعث شد اوضاع به حالت قبل برگردد تا این که بالاخره مادرم به رابطه من و سعید پی برد و چندین بار نیز مرا تهدید کرد که اگر این رابطه پایان ندهم، همه چیز را به پدرم خواهد گفت. به مادرم گفتیم که به پدرم پیان بگوی، خود کسی می کنم.

هر قدر مادر مرا نصیحت کرد، سودی نداشت. این طور که سعید می گفت پدرش فوت کرده بود و مادرش نیز از رابطه ما خبر نداشت. یک روز سعید تماس گرفت و گفت دوست دارم به منزل ما بیایی چون خواهر بزرگم می خواهد ما را ببیند تا با همسر آینده برادرش آشنا شوند. من نیز قبول کردم و بخودشالی به خانه شان رفتم اما وقتی وارد خانه شدم، دیدم مادر او خوشحال و بخیر می باشد و خواهرش

سعید گفت چند دقیقه‌ای صبر کنم. خودش نیز با یک لیوان شربت از من پر برای که در اما داخل خوردن آن بی‌هوش شد و دیگر چیزی نفهمید. وقتی به هوش آمدم، داخل خودروی سعید دودم و او با گریه می‌گفت تو همسر آینده‌ام هستی و نگران مشکلی که به وجود آمده نباش...
تا مدت‌ها بعد از آن روز که در کارخانه دروغ مرا همراهش نگه دارد من از ماجراهای حفظ ایمنی چاره‌ای جز سکوت نداشتم. می‌دانستم اگر والدینم از ماجرا باخبر شوند روز گرام سیاه تر خواهد شد.

[illegible]

شود اما دغدغه دارد که وقتی از این جا بیرون می‌روم جلوتر می‌روم و باید بدن پول در کار زندگی کنم (حاج می‌گوید: هر وقت خواستم یک کت می‌پندم می‌گفت تو همانی که هستی و عوض نمی‌شوی! اما تعجب دارد وقتی بسیاری از حاضران در کمپ می‌گویند که تهیه مواد مخدر در شهر خیلی سخت نیست. از دسترسی به مواد که برای هم یکی از آنان با خنده می‌گوید: پول داشته باشی از نبرو و افرادی هم زودتر به دستت می‌رسد.

- شاغلان، ۶۳ درصد معتادان

بیان کرد: بیکاری، چراغ سبز ساقی ها نبود، نشاط اجتماعی و از همه مهم تر ندانستن جایگاه تر خانواده زمینه های باز گشت افراد به مواد مخدر و افراق همی که کنده پس باید مراقب جهنم بعد از این بهشت بود.

شود اما دغدغه دارد که وقتی از این جا بیرون
برود چطور می تواند بدون پول و کارزدگی کند.
«ا» می گوید: هر وقت خواستم ترک کنم پدرم
می گفت تو همایی که هستی و عوض نمی شوی!
جای تعجب دارد وقتی بسیاری از حاضران در
کمپ می گویند که تهیه مواد مخدر در شهر خیلی
سخت نیست.
از دسترس به مواد که می رسد یکی از آنان با
خنده می گوید: پول داشته باشی از نیروهای
امدادی هم زودتر به دست می رسد.

- قبول نداشتن معتادم
- دغدغه فردا

او هفت سال کاری صبحگاهی در یکی از شهرستان‌ها داشته است اما از وقتی که به پیشنهاد دوستانش کریستال را جایگزین مصرف

ترباک کرده دیگر صبح‌ها تا دیروقت خواب می‌مانده است تا این که صاحبکارش بعد از چند بار تذکر به دلیل اعتیاد و تاخیر در انجام کار اخراجش می‌کند.

وی می‌گوید: هیچ وقت قبول نداشتم معتاد هستم و حتی زمانی که با من تماس گرفتند که از فرادرس کار نرم‌پیش خودم خیال می‌کنم در محل مدرسه تعطیل شدم و حتی خوشحال بودم که بتوانم بیشتر بخوابم اما چند ماه بعد که یک روز در خیابان قدم می‌زدم دیدم خدمت دیگری کار مرا انجام می‌دهد و تازه متوجه شدم علت اخراجم از کار اعتیاد بوده است. حالا ۲۳ روز است امیدواری به آینده در وجودش ریشه می‌داند.

کیوان ۲۳ ساله هم‌کلی با ۲۶ نفر است که این تصمیم‌بردار ترک اعتیاد گرفتند. اولین تجربه مصرف مواد در مدرسه بود به تعارف دوستان بود.

وی می‌گوید: از مواد خسته شدم و تصمیم گرفتم به کار با بیاییت تا دیگر اشک پدر ما درمدم نیفتد و دیگر از راهایی به دنبال زندگی خودم نبورم. در نیگاری داشجویی خودم رهنه‌سرق است که مدتی راننده آن‌س بوده و ۲۳ روز است که با اخراج خوشش برای ترک اعتیاد آمده و او دغدغه دارد که بعد از درمان آیا می‌تواند یک شغل خوب پیدا کند یا نه.

- دغدغه فردا

جوان ۲۳ ساله‌ای هم که به قول خودش از اول با سیاه (تریاک) شروع کرده الان در این جمع قرار دارد، او هم با وجود این که مصمم شده تا پاک

مرد ۶۰ ساله در استخر شن شویی، جان باخت

بی-معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان از وقوع دو حادثه در استان فر دوس و جان باختن مرد ۶۰ ساله و دختر ۱۲ ساله خبر داد. به سرهنگ سرفرازی به اعلام با فوریت پلیسی ۱۱۰ مبنی بر حضور دغق شدگی در استخر شن مشویی، ماموران انتظامی به محل حادثه رسیدند. وی گفت: در این حادثه فردی حدود ۶۰ ساله داخل استخر شن مشویی به سرخانه منقلب شد.

فرود: در حادثه ای دیگر دختر ۱۲ ساله ای به دلیل نامعلوم در استخر ن آبگرم فرودس بدحال شد که توسط نیروهای امدادی به بیمارستان س منتقل شد اما در بیمارستان جان خود را از دست داد که اعلام علت مربوط به ارائه نظر کارشناسی پزشکی قانونی است.

دست عامل انتشار تصاویر غیر اخلاقی، رو شد

رئیس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات خراسان جنوبی از دستگیری ی فردی که در شبکه های اجتماعی اقدام به انتشار تصاویر مبتذل و مستهجن می کرد خبر داد. سرهنگ «محمدپور» افزود: کار شناسان این پلیس هنگام پایش فضای مجازی صفحه ای را شناسایی کردند که در آن اینستاگرام مطالب و تصاویر خلاف عفت عمومی منتشر می کرد.

وی گفت: کارشناسان پلیس فتا با عملیات سایبری و اقدامات فنی، منتشر کننده تصاویر غیر اخلاقی را که ساکن شهرستان فردوس بود شناسایی و به پلیس فتا احضار کردند که منتهم اعراف را در صفحه را حدود یک ماه پیش ایجاد کرد و هدف خاص یا قصد سوء استفاده یا اخاذی نداشته و در فضای اینترنت گام به گام این اقدام کرده است. به گفته وی منتهم اظهار کرد که از بیماری روحی و روانی رنج می برد بنابراین به وراثتشناس معتمد اظهار کرد که

خراسان جنوبی

[illegible]